

بررسی مسئله خشونت انبیاء در کتاب مقدس

نرجس خاتون خمیسی

(دانش‌آموخته دوره تخصصی فلسفه اسلامی و عضو حلقه علمی حکمت دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی)

چکیده

نگارنده با کاوشی در متون کتاب مقدس عهدین و قرآن به آیاتی می‌پردازد که در آن سخن از مقابله با مخالفان است. با بررسی چند بخش از عهد قدیم درمی‌یابیم که پیامبران بنی‌اسرائیل برای بدست آوردن سرزمین موعود، کشتار مردان، زنان، بچه‌ها و حتی حیوان‌ها را مجاز می‌شمردند و اگر یکی از لشکریان سپاه یهودیان تخلفی می‌کرد، خودش و خانواده‌اش را مستحق مرگ می‌دانستند و اموالش را آتش می‌زدند. دیدگاه قرآن درباره مبارزات پیامبران و نوع مواجهه و برخورد با مخالفان، حدود مشخص و شرایط ویژه‌ای دارد و حتی تا پیش از حصول شرایط، باب توبه باز است و رویکرد کلی قرآن، پرهیز از کشتار و خشونت علیه انسان، حیوان و طبیعت است. بنابراین روش قرآن در مقابله با مشرکان و اهل کتاب در مقایسه با روش کتاب مقدس در مقابله با بت‌پرستان، بسیار انسانی و قاعده‌مند است.

کلیدواژگان: خشونت‌گرایی دینی، خشونت در عهد قدیم، قرآن کریم، کتاب مقدس عبری، تورات، بت‌پرستی.

مقدمه

از دیرباز مستشرقین غربی، اسلام را متهم به خشونت می‌کنند و ادعا دارند که اسلام زیر سایه شمشیرها پیشرفت کرده است. این ادعای گزاف در حالی است که جنگ‌های صدر اسلام بیشتر حالت دفاعی داشته و در مقابله با مشرکین بوده و فقط در شرایط خاصی دستور به مقابله با اهل کتاب صادر شده است.

مثلاً قرآن می‌فرماید: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ»^۱ «با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز بازپسین ایمان نمی‌آورند، و آنچه را خدا و فرستاده‌اش حرام گردانیده‌اند حرام نمی‌دارند و متدین به دین حق نمی‌گردند، کارزار کنید، تا با [کمال] خواری به دست خود جزیه دهند.»

در آیه بالا کارزار علیه کسانی جایز شمرده شده که ایمان به خدا و آخرت ندارند و حرمت‌شکنی می‌کنند. بنابراین قرآن برای دفع خطر مخالفان، چارچوب مشخصی دارد. در آیه زیر نیز نقض پیمان به‌عنوان ویژگی مخالفان شمرده شده است: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ. الَّذِينَ عَاهَدتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْفُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ»^۲ «بی‌تردید، بدترین جنبندها پیش خدا کسانی‌اند که کفر ورزیدند و ایمان نمی‌آورند. همانان که از ایشان پیمان گرفتی ولی هر بار پیمان خود را می‌شکنند و [از خدا] پروا نمی‌دارند.»

اما با مطالعه تطبیقی قرآن کریم و تاریخ اسلام با کتاب مقدس درمی‌یابیم که در تمام فتوحات اسلامی اعمالی از قبیل جنایاتی که در کتاب مقدس عبری به چشم می‌خورد مشاهده نمی‌شود. در مطالبی که در کتاب مقدس نوشته شده خشونت‌هایی مشاهده می‌شود که امروزه مرتکبین آنها را جنایت‌کاران جنگی می‌نامند. با بررسی چند بخش از عهدقدیم بدست می‌آید که پیامبران بنی‌اسرائیل برای بدست آوردن سرزمین موعود، کشتار مردان، زنان، بچه‌ها و حتی حیوان‌ها را مجاز می‌شمردند و در این میان اگر از طرف یکی از لشکریان سپاه یهودیان تخلفی سر می‌زد، خودش و خانواده‌اش را مستحق مرگ می‌دانستند و اموالش را آتش می‌زدند و جالب‌تر اینکه این جنایات را به خدا نسبت می‌دادند. و دیگر آنکه در تورات گناهی را به پیامبران الهی نسبت داده‌اند که از یک انسان عادی انتظار نمی‌رود. و رفتارهای متکبرانه و ناپسند و کثیفی را که برای پادشاهان و رهبران و فرزندان آنان عیب نمی‌دانستند،

۱. توبه/۲۹.

۲. انفال/۵۵-۵۶.

همان را برای مردم عادی گناه فاحشی می‌شمردند. گویی خداوند میان مردم عادی و پیامبران برای ارتکاب به گناه تفاوت قائل است! اصولاً یهودیت، حضرت داوود و سلیمان • را پیامبران الهی نمی‌دانند؛ بلکه آنان را پادشاه می‌خوانند. و این نکته واضح است که در تمام کتاب مقدس عبری، آنچه ترجیح و امتیاز دارد، بحث قومیت قوم بنی‌اسرائیل است نه تربیت الهی و اطاعت از خداوند.

در این مقاله به خشونت‌ها و ناهنجاری‌های مذکور در عهدقدیم (داستان حضرت یوشع‌بن نون و سموئیل و داوود) اشاره می‌شود و در میانهٔ مباحث و پس از این بخش به ذکر آیاتی از قرآن دربارهٔ مبارزات غیرخشن انبیای الهی اشاره خواهیم کرد.

۱. داستان فتوحات یوشع‌بن نون به همراه نقد قرآنی خشونت‌ها

خداوند پس از وفات موسی، یوشع‌بن نون، جانشین موسی • را خطاب کرده و گفت: «برخیز و بنی‌اسرائیل را از رود اردن بگذران و به سرزمینی که به ایشان می‌دهم، برسان. چنان‌که به موسی گفتم: حدود سرزمین شما از صحرای نِگب در جنوب تا کوه‌های لبنان در شمال، و از دریای مدیترانه در غرب تا رود فرات و سرزمین حیتی‌ها در شرق، خواهد بود. و هیچ‌کس را در تمامی عمرت یارای مقاومت در برابر تو نخواهد بود. و هرکس که از حکم تو روی گرداند و کلام تو را اطاعت نکند کشته خواهد شد.»^۱

یوشع‌بن نون دو جاسوس را به شهر اریحا فرستاد. آن دو پس از ورود به شهر به خانهٔ فاحشه‌ای به نام راحاب رفتند و شب را در آنجا گذراندند. همان شب به پادشاه اریحا خبر رسید که چند جاسوس اسرائیلی وارد شهر شده‌اند.^۲ هنگامی که مأمورین پادشاه به خانهٔ آن زن آمدند، آن زن آنان را پنهان کرده و از آنان می‌خواهد که در هنگام حمله به شهر او به او خانواده‌اش امان دهند و آنان را نکشند. و جاسوسان نیز قول دادند و به او گفتند که در روزی که به شهر حمله می‌کنند، هرکسی که در خانه او باشد در امان است و هر کس در خانه او نباشد خونش به گردن خودش است.^۳ بعد از هفت‌روز که شهر را محاصره کردند هر آنچه در شهر بود از جمله مردان، زنان، پیرها، جوانان و کودکان و حتی چارپایان موجود در شهر را به ضرب شمشیر هلاک کردند.^۴ و یوشع‌بن نون به آن دو جاسوس گفت که به خانهٔ آن زن بروید و چنانچه پیش او قسم خوردید او و خانواده‌اش و آنچه دارد را بیرون آورید. آن دو مرد

۱. نک: یوشع، ۱: ۵-۱

۲. نک: یوشع، ۲: ۱-۲

۳. نک: یوشع، ۲: ۲۰

۴. نک: یوشع، ۶: ۲۱

نیز راحب را و پدر و مادر و برادرانش را با هرچه داشت بیرون لشکرگاه اسرائیل جای دادند.^۱ و شهر را با آنچه در آن بود به آتش کشیدند و فقط ظروف نقره‌ای، طلائی، مسی و آهنی را به خزانه خداوند واگذار کردند.^۲

همان‌طور که مشاهده شد، در این کتاب، جان زن فاحشه‌ای که به جاسوسان اسرائیلی پناه می‌دهد، از جان دیگر زنان، کودکان و سالخورده‌گان بی‌گناه ساکن شهر محترم‌تر شمرده می‌شود! علاوه بر این گویا فحشا اصلاً جزو گناهان کبیره نمی‌باشد و گویی که اصلاً مشکلی ندارد و ظاهراً از دیدگاه یوشع، هدف وسیله را توجیه می‌کند!

نقد قرآنی: این درحالی است که در قرآن از قول تورات گفته شده است: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ»^۳ «و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که: «جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر، و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید، و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید، و نماز را به پا دارید، و زکات را بدهید» آنگاه، جز اندکی از شما، [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید.» در سوره انعام نیز می‌خوانیم که: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَاقٌ نَّحْنُ نَرِزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۴ «بگو: «بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده برای شما بخوانم: چیزی را با او شریک قرار مدهید و به پدر و مادر احسان کنید و فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید ما شما و آنان را روزی می‌رسانیم و به کارهای زشت - چه علنی آن و چه پوشیده [اش] - نزدیک مشوید و نفسی را که خدا حرام گردانیده، جز بحق مکشید. اینهاست که [خدا] شما را به [انجام دادن] آن سفارش کرده است، باشد که بیندیشد.»

در ادامه داستان یوشع در کتاب مقدس عبری آمده است که: «و بنی اسرائیل در آنچه که بر ایشان حرام شده بود خیانت ورزیدند زیرا عخان سبط یهودا از آنچه از غنایم بر آنها حرام شده بود مقداری برداشت و در نتیجه غضب خداوند بر قوم بنی اسرائیل برافروخته شد.»^۵ و «یوشع به عخان گفت: فرزندانم در حضور خداوند خدای اسرائیل حقیقت را بگو و به گناه خود

۱. نک: یوشع، ۶: ۲۳.

۲. نک: یوشع، ۶: ۲۴.

۳. بقره/۸۲.

۴. انعام/۱۵۱.

۵. یوشع، ۷: ۱.

اعتراف کن به من بگو چه کرده‌ای و چیزی را از ما مخفی نکن.»^۱ عخان در جواب وی گفت: در میان غنایم، چشمم به یک ردای زیبای بابلی، دویست مثقال نقره و یک شمش طلا که وزنش پنجاه مثقال بود، افتاد و من از روی طمع آنها را برداشتم. و یوشع دستور داد تا عخان را به همراه پسران و دخترانش و گاوها و گوسفندان و الاغ‌هایش و خیمه‌اش و هر آنچه در خیمه داشت را به دره عخور ببرند.^۲ و در آنجا بنا به دستور جناب یوشع، عخان و خانواده‌اش و حیواناتش را سنگسار کردند و سپس اجساد آنان و اموالشان را سوزاندند.^۳

نقد قرآنی: حال اینکه قرآن در مورد دزدی، حد قطع دست دزد را مشخص کرده و فرماید: «لَسَارِقٌ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِّنَ اللَّهِ...»^۴ «و مرد و زن دزد را به [سزای] آنچه کرده‌اند، دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببرید، ...» و نکته این است که این حکم با شرایطی عملی می‌شود؛ بنابراین اگر کسی قبل حصول آن شرایط، توبه کند، خدا او را خواهد بخشید: «فَمَن تَابَ مِن بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ»^۵ «پس کسی که بعد از ستم کردن (دزدی) توبه کند و مفسد خود را اصلاح کند، یقیناً خدا توبه او را می‌پذیرد زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.»

و شدیدترین حدی که در دین ما برای مجرمین در نظر گرفته شده حد محارب است که اعدام و یا قطع دست و پا از جهات مختلف و یا تبعید است: «إِنَّمَا جِزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۶ «سزای کسانی که با [دوستانداران] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت بکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند. این، رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.»

و بلافاصله در ادامه همین آیه می‌فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ»^۷ «مگر کسانی که پیش از دستگیر شدنشان توبه کنند پس بدانند که خدا

۱. یوشع، ۷: ۱۹.

۲. ر ک: یوشع، ۷: ۲۴.

۳. یوشع، ۷: ۲۵.

۴. مائده/۳۸.

۵. مائده/۳۹.

۶. مائده/۳۳.

۷. مائده/۳۴.

بسیار آمرزنده و مهربان است.»

امروزه همین اسرائیلی‌ها احکام مذکور و حکم قصاص را اعمالی وحشیانه و ضد حقوق بشر می‌دانند. در حالیکه در کتاب خودشان حد دزدی و خیانت در امانت، نه تنها مرگ شخص مجرم بلکه مرگ خانواده اش و نابودی اموالش می‌باشد. کتابی که آن را نازل شده از سوی خداوند به حضرت موسی و دیگر پیامبران الهی می‌دانند و خودشان نیز تابع آن هستند. در ادامهٔ خشونت‌های داستان یوشع، در اینجا به اهم موارد فقط اشاره می‌کنیم: و مردمان عای را کشتند تا حدی که نجات‌یافته‌ای از میان آنان یافت نمی‌شد.^۱ لشکر اسرائیل پس از اینکه افراد دشمن را در خارج شهر کشتند، به عای وارد شدند تا بقیهٔ اهالی شهر را نیز از دم شمشیر بگذرانند. در آن روز، تمام جمعیت شهر که تعدادشان بالغ بر دوازده هزار نفر بود، هلاک شدند. یوشع شهر عای را سوزانیده، بصورت خرابه‌ای در آورد که تا به امروز به همان حال باقی است.^۲

بعد از آن، یوشع و افرادش به لینه حمله کردند، و خداوند آنجا را نیز با پادشاهش به دست ایشان تسلیم نمود، و آنها تمام ساکنان آن را مانند اهالی شهر اریحا از دم شمشیر گذراندند.^۳ نقد قرآنی: اما بنابر قرآن کریم، شدیدترین آیات قرآن نخستین آیات سورهٔ توبه می‌باشد که در آن خداوند دستور حمله به مشرکان را می‌دهد و نه زنان و فرزندان و سال خوردگان. و لذا خداوند در قرآن تعلیم می‌دهد که جای ممکن به جان و نفوس انسان‌ها باید احترام گذارد: «وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ»^۴ «و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پناهش بده تا سخن خدا را بشنود. آنگاه او را به جایگاه امنش برسان. این به این دلیل است که آنها قومی هستند که نمی‌دانند.»

این در حالی است که در تورات، جنایاتی را به خدا و پیامبر خدا ﷺ نسبت می‌دهند که امروزه در تمام نقاط دنیا جنایاتی از این قبیل را تحت عنوان جنایات جنگی می‌شناسند. شاید از همین باب است که امروزه فرزندان ایشان دست به جنایاتی چون کشتار مردمان غیرمسلح، شکار زنان و کودکان می‌زنند. و جنایت را به جایی رسانده‌اند که خود را مجاز به کشتن خبرنگاران و حتی تیراندازی به آمبولانس‌های سازمان صلیب‌سرخ می‌دانند.

۱. رک: یوشع، ۸: ۲۲.

۲. یوشع، ۸: ۲۶-۲۸.

۳. یوشع، ۱۰: ۲۹-۳۰.

۴. توبه/۶.

بنابر تورات، گویی تمام رسالت یوشع نبی، کشورگشایی و کشتار مردم بی‌گناه بوده است نه هدایت و تربیت امت! علاوه بر این آنچه در تورات کنونی پایه اصلی تمام مطالب کتاب را شامل می‌شود، مباحث نژادپرستی و قومیتی است نه مسایل دینی و اخروی. بنابراین گویا ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی آن قدر اهمیت ندارند، و مهم این است که شما از قوم بنی‌اسرائیل باشید یا نباشید!

در ادامه قصه یوشع در کتاب مقدس عبری، داستان شائول آمده است که آن نیز در بردارنده برگی دیگر از خشونت‌های بشری است.

«و سموئیل نبی به شائول گفت: پس الان برو عملی‌های را شکست داده جمیع ما یملک ایشان را بالکل نابود ساز و بر ایشان شفقت نفرما. بلکه مرد و زن، طفل و شیر خوار، گاو گوسفند و شتر الاغ را بکش.»^۱ و نیز این آیه که: «شائول عمالقه را از حویله تا شور را که در برابر مصر است شکست داد و اجاج پادشاه عمالیق را زنده گرفت و تمامی خلق به دم شمشیر بالکل هلاک ساخت و اما شائول بهترین گوسفندان و کاروان و پرواریها را و بره‌ها و هرچیز خوب را دریغ نموده و نخواست آنها را هلاک سازند. لیکن هرچیز خوار و بی‌مقداری را بالکل نابود ساخت.»^۲

نقد قرآنی: باید به معتقدان به کتاب مقدس بگوییم، چگونه کسانی را که با اجرای حکم قصاص و دستگیری عده‌ای که امنیت اجتماع را به خطر می‌اندازند و فریاد از بین رفتن حقوق بشر را سرمی‌دهند، از این همه خشونت‌ها که در کتاب مقدس شان ذکر شده شرم نمی‌کنند که پیامبرشان دستور کشتار همه مردم حتی کودکان و حیوانات که هیچ گناهی ندارند امر می‌کند و تازه فرمانروا را به علت نکشتن بعضی از حیوانات، توبیخ نموده و عزل می‌کند؟ آری! قرآن درباره ایشان می‌فرماید: «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمُ نَصِيبُهُم مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَهُمْ مَا كَفَرُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِّن دُونِ اللَّهِ قَالُوا صَلُّوا عَلَيْنَا وَشَهِدُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ»؛ پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بدهد یا آیات او را تکذیب کند؟ اینان کسانی هستند که نصیبشان از آنچه مقرر شده به ایشان خواهد رسید، تا آن گاه که فرشتگان ما به سراغشان بیایند که جانشان بستانند، می‌گویند: «آنچه غیر از خدا می‌خواندید کجاست؟» می‌گویند: «از [چشم] ما ناپدید شدند» و علیه خود گواهی می‌دهند که آنان کافر بودند.»

۱. اول سموئیل، ۱۵: ۳.

۲. اول سموئیل، ۱۵: ۷-۹.

۳. اعراف/۳۷.

در ادامه داستان انبیای کتاب مقدس، به داستان داوود پادشاه می‌رسیم. در کتاب دوم سموئیل می‌خوانیم که داوود، تابوت عهد را به اورشلیم می‌آورد^۱ و خداوند به داوود وعده سلطنت جاودانه خاندان او را می‌دهد.^۲ و بعد از این داوود فلسطینان را شکست داده و ایشان را ذلیل می‌سازد^۳ و هزار و هفتصد سوار و بیست هزار پیاده از او گرفت. و جمیع اسب‌های ارباب‌هایشان را پی کرد.^۴ و چون آرامیان دمشق به مدد هدد عَزْر، پادشاه صوبه آمدند، داوود بیست و دو هزار نفر از آرامیان را بکشت.^۵

نقد قرآنی: در کتاب مقدس، گناهی به حضرت داوود نسبت داده شده که از یک انسان عادی نیز بسیار قبیح است. بنابر آیات ۲ تا ۶ از کتاب دوم سموئیل، داوود با اوریا، همسر یکی فرماندهان جنگ، همبستر می‌شود و از او فرزندی بدنیا می‌آورد. اما بنابر دیدگاه قرآن^۶ و با دقت در آیاتی که داستان آمدن دو متخاصم نزد حضرت داوود • را روایت می‌کند، این مطلب را می‌رساند که این داستان، صحنه‌ای بوده که خدای تعالی برای آزمایش داوود در عالم تمثل به داوود نشان داده تا او را به تربیت الهی تربیت کند و راه و رسم داوری عادلانه را به او بیاموزد. چون داوود بدون اینکه از طرف مقابل مطالبه شاهد کند در قضاوت عجله کرد و علیه فرد ثروتمند و به نفع فرد فقیر حکم کرد.^۷

امام رضا • در مورد داستان داوود با اوریا چنین فرمود: «در عصر داوود حکم چنین بود که اگر زنی شوهرش می‌مرد یا کشته می‌شد دیگر حق نداشت شوهری دیگر اختیار کند و اولین کسی که خدا این حکم را برایش برداشت و به او اجازه داد تا با زن بیوه ازدواج کند، داوود • بود که با همسر اوریا پس از کشته شدن شوهرش و گذشتن عده‌اش ازدواج کرد و این سنت‌شکنی بر مردمان آن روز گران آمد.»^۸

اما در کتاب مقدس عبری، که داوود را پادشاه می‌داند نه پیامبر، خشونت‌هایی را به او نسبت می‌دهد که از جباران و گردن‌کشان در طول تاریخ دیده شده است. شاید به‌خاطر همین وعده تورات مبنی بر جاودانه بودن سلطنت در داوود است که اخلاف ایشان در پی

۱. رک: دوم سموئیل، ۶: ۱۲.

۲. رک: دوم سموئیل، ۷: ۱۶.

۳. رک: دوم سموئیل، ۸: ۱.

۴. رک: دوم سموئیل، ۸: ۴.

۵. رک: دوم سموئیل، ۸: ۵.

۶. رک: ص ۲۶۱.

۷. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۷، ص ۳۰۵.

۸. عیون اخبار الرضا(ع)، ص ۳۰۴.

بدست آوردن همان سلطنت از نیل تا فرات هستند!

موارد خشونت در کتاب مقدس عبری، بیش از آن است که بیان شد، و این مقاله گنجای ذکر همه آنها را ندارد؛ اما از باب نمونه کافی است که با مطالعه بخشی از آیاتش به دیدگاه خشونت‌گرای متن موجود آن کتاب پی ببریم.

۲. دیدگاه قرآن درباره مبارزات پیامبران

قرآن درباره مبارزات پیامبران می‌فرماید: «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمُ نَصِيبُهُم مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَيْنَا أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ. قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُم مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا آدَارُكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَادِهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَأَتَيْنَهُمُ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَلَكِن لَّا تَعْلَمُونَ»^۱ «چه بسا پیامبرانی که عالمان الهی به همراه آنان با دشمنان جنگیدند سپس در برابر آسیب‌هایی که در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و تسلیم نگشتند و خداوند شکیبایان را دوست دارد. و گفتار آنان در جنگ‌ها جز این نبود که پروردگارا گناهانمان و زیاده‌روی‌مان را بر ما ببخش و گام‌هایمان استوار بدار و ما را بر گروه کافران پیروز گردان.»

همچنین در سوره حج می‌خوانیم: «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ. الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۲ «همان کسانی که بناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند. [آنها گناهی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما خداست» و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد، و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را باری می‌کند، یاری می‌دهد، چرا که خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است.»

همان‌طور که ملاحظه شد، هدف از مبارزه در راه خدا حاکم کردن دین و روش خداپسندانه و رفتار پسندیده در زمین است. علاوه‌براین، روش مبارزه باید براساس رضای خدا و انسانی باشد نه بر مبنای حاکم‌شدن بر سرزمین‌ها و منابع دیگران. مبارزات منسوب به انبیای الهی

۱. آل عمران/۱۴۶-۱۴۷.

۲. حج/۴۰-۴۱.

در کتاب مقدس، با ددمنشانه‌ترین روش‌ها انجام می‌شد که برای توجیه رفتارشان آن را به خداوند نسبت می‌دادند و اکنون نیز پیروانشان برای رفتارهای ضدانسانی خودشان علیه ملل دیگر، به همین تحریفات تمسک می‌کنند.

علاوه‌براین سرزمین‌های نام‌برده در زمان حضرت موسی • به بنی‌اسرائیل وعده داده شده بود نه در زمان حال. ساکنان آن سرزمین‌ها نیز در آن روزگار (به شهادت تورات) بت‌پرست و کافر بودند. پس آنچه در تورات بیان شده، بحث غلبه خداپرستان بر بت‌پرستان است و نه تصاحب سرزمین‌های خداپرستان!

نتیجه

از آنچه گذشت می‌توان به نتایج زیر پی برد:

۱. تمام خشونت‌هایی که در تورات به خداوند نسبت داده شده، برای بدست آوردن سرزمین‌های موعود به بنی‌اسرائیل جایز شمرده شده است.
۲. رفتارهایی که به پیامبران و فرمانروایان منصوب از ناحیه خداوند نسبت داده شده است، بسیار ناپسند و مخالف قوانین تورات است.
۳. در کتاب مقدس، نژاد بنی‌اسرائیل و سلطه آنان بر سرزمین‌های موعود مطرح می‌باشد و نه هدایت بندگان خدا و حاکم‌شدن دین خدا با رعایت هنجارهای انسانی.
۴. کتاب مقدس تحریف‌شده، رفتارهایی را به پیامبران الهی نسبت می‌دهد که حتی از یک فرد عادی بسیار زشت و ناپسند است. اما قرآن و روایات معصومین • شهادت می‌دهند که بیان این مطالب در کتاب مقدس ناشی از دستکاری‌های علمای خائن بوده که در پی توجیه کارهای قبیح سردمداران و حفظ جاه و مال خویش بوده‌اند.

منابع

قرآن کریم (ترجمه فولادوند).

کتاب مقدس (انجمن پخش کتب مقدسه).

۱. صدوق، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا •، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی‌همدانی، چ‌پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۴ش.